

درسنامه‌ی نحو زبان فارسی

مژگان همایون فر

درسنامه‌ی نحو زبان فارسی

مژگان همایون‌فر



سرشناسه	: همایونفر، مژگان، ۱۳۵۰-
عنوان و نام پدیدآور	: درسنامه‌ی نحو زبان فارسی / مژگان همایون فر؛ ویراستار مونا رهگذر.
مشخصات نشر	: تهران: نشر علمی، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۲۲۴ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۴۰۴-۴۷۷-۹
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: فارسی -- نحو Persian language -- Syntax
موضوع	: زبان‌شناسی Linguistics
رده بندی کنگره	: PIR۲۷۹۸
رده بندی دیویی	: ۴۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۳۶۳۷۹۹



خیابان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین - خیابان شهدای ژاندارمری - پلاک ۱۰۳

تلفن: ۱۲۰۵۱۱۰۶۶۴۶-۶۶۴۶۳۰۷۲

www.elmipublications.com

درسنامه‌ی نحو زبان فارسی

مژگان همایون فر

چاپ اول: ۱۳۹۹

تیراژ: ۴۰۰ نسخه

لیتوگرافی: کوثر

چاپ: مهارت

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۰۴-۴۷۷-۹

مرکز پخش: خیابان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین - خیابان شهدای ژاندارمری - پلاک ۱۰۳

تلفن: ۱۲ و ۵۱۱۰۶۶۴۶-۶۶۴۶۳۰۷۲

یادداشت ناشر

با تلاش مداوم و ستودنی نسل‌های پی در پی زبان‌شناسان ایران، آنچه در آغاز در قالب دانشی نوپا و وارداتی در علوم انسانی به کشورمان راه یافته بود، اکنون به علمی بومی و در خدمت زبان فارسی و زبان‌های ایران قرار گرفته است.

امروز دیگر بر تمامی متخصصانی که به نوعی با مطالعه‌ی زبان سروکار دارند، آشکار شده است که آگاهی از ابزارهای علمی چنین مطالعاتی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر به حساب می‌آید.

انتشارات علمی با بیش از صد و پنجاه سال خدمت در ساحت فرهنگ و نشر برای انتشار مجموعه‌ی وسیع از آرای برجسته‌ترین متخصصان این مرز و بوم به ویژه در حوزه مطالعات ادب فارسی، افتخار دارد مجموعه‌ی تازه‌ی خود را با نام «نگین‌های زبان‌شناسی» در اختیار تازه‌آشنایان با زبان‌شناسی و نیز متخصصان این حوزه قرار دهد.

این مجموعه، شامل ترجمه و تالیف نوشته‌هایی است که به همت یاران «علمی» در اختیار علاقمندان قرار خواهد گرفت.

محمدعلی علمی

مقدمه

توفیقی برای خود می‌دانم که این فرصت را یافته‌ام تا معرفی مختصری از تألیفی ارزشمند در حوزه‌ی نحو زبان فارسی بنویسم. مؤلف ارجمند و توانمند درسنامه‌ی «نحو زبان فارسی»، خانم دکتر مژگان همایون‌فر، دانش‌آموخته‌ی بسیار شایسته و فاضلی است در رشته‌ی زبان‌شناسی همگانی دانشگاه علامه طباطبائی. دکتر همایون‌فر با اشرافی که به تعاریف و تعبیر عالمانه مطرح شده در دستورهای سستی از یک سو و یافته‌های پژوهش‌های اخیر در زبان‌شناسی نوین دارد، توانسته است دستاوردهای این دو عرصه را در کنار هم به دانشجویان زبان‌شناسی، آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان و علاقمندان به مباحث نحوی زبان فارسی ارائه نماید. ایشان با بهره‌گیری از تجربه‌های بسیار موفق خود در تدریس درس‌های مرتبط با مباحث درسنامه «نحو زبان فارسی» بازخوردهای دانشجویان را در تدقیق و تکمیل مطالب ارائه شده در درسنامه مورد توجه قرار داده است. صمیمانه امیدوارم شاهد توفیقات و دستاوردهای علمی بیشتر خانم دکتر مژگان همایون‌فر باشم.

محمد دبیرمقدم

استاد زبان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی

پیش گفتار

این کتاب، درسنامه‌ای است برای واحدهای نحو و ساخت زبان فارسی که در مقطع کارشناسی ارشد رشته‌های زبان‌شناسی و آموزش زبان‌های خارجی دانشگاه‌های کشور تدریس می‌شود. کتاب حاضر، از دو بخش اصلی و شش فصل تشکیل شده است؛ بخش نخست به معرفی اصطلاحات و کلیدواژه‌های حوزه‌ی نحو اختصاص دارد که به صورت مقایسه میان تعاریف و تعبیر مطرح در دستورنویسی سنتی فارسی از یک سو با مطالعات زبان‌شناسی نوین فارسی از سوی دیگر تنظیم شده است و به دانشجویان حوزه‌ی زبان و زبان‌شناسی این امکان را می‌دهد تا آموخته‌های پیشین خود را از دوره تحصیل در دبیرستان و قبل از آن، بر آموخته‌های نوین خود در دانشگاه منطبق کنند. این بخش با آشنایی با مفاهیم بنیادینی نظیر طبقه‌ی کلمه همچون اسم، فعل، صفت و حرف اضافه و مقوله‌ی دستوری مانند زمان، مطابقه، وجه و نمود آغاز می‌شود و مفهوم هسته و وابسته در ساخت گروه‌های نحوی مانند گروه اسمی، گروه فعلی، گروه حرف اضافه‌ای و به دنبال آن رسم نمودار درختی و قلاب‌های برچسب‌دار در چارچوب دستور زایشی برای ساخت‌های فارسی را دربرمی‌گیرد. بخش دوم مروری بر تعدادی از برجسته‌ترین مقالات علمی است که در سال‌های اخیر در حوزه‌ی ساخت‌های نحوی فارسی نظیر فعل مرکب، ساخت مجهول، ساخت سببی، ساخت نظارتی و ارتقایی، کسره‌ی

اضافه، پوچواژه، بند موصولی و مطابقه توسط صاحب نظران و اساتید زبان شناسی ایران به رشته تحریر درآمده است. این کتاب در طول دهه گذشته، برای واحدهای درسی مقطع کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی، آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان و زبان های خارجی در دانشگاه علامه طباطبائی تدریس شده است و امید است برای تمامی دانشجویان و دانش پژوهان حوزه زبان و زبان شناسی فارسی مفید فایده باشد.

مژگان همایون فر

دکتری زبان شناسی همگانی دانشگاه علامه طباطبائی

شهریورماه ۱۳۹۹

به

همسرم

فهرست مطالب

بخش اول: مفاهیم نحوی.....	۱۵
۱. مقدمه.....	۱۷
۲. مقوله (طبقه) کلمه.....	۲۱
۲-۱- اسم.....	۲۳
۲-۱-۱- اسم از منظر دستورنویسی سستی.....	۲۳
۲-۱-۲- اسم در زبان‌شناسی نوین.....	۲۵
۲-۲- فعل.....	۲۷
۲-۲-۱- مقدمه.....	۲۷
۲-۲-۲- فعل از منظر دستورنویسی سستی.....	۲۸
۲-۲-۳- فعل در زبان‌شناسی نوین.....	۳۱
۳- صفت.....	۳۵
۳-۱- صفت از منظر دستورنویسی سستی.....	۳۵
۳-۲- صفت در زبان‌شناسی نوین.....	۳۷
۴- قید.....	۳۹

- ۳۹..... ۲-۴-۱- قید از منظر دستورنویسی سستی
- ۴۳..... ۲-۴-۲- قید در زبان‌شناسی نوین
- ۴۴..... ۲-۵-۵- حرف اضافه
- ۴۴..... ۲-۵-۱- حرف اضافه از منظر دستورنویسی سستی
- ۴۷..... ۲-۵-۲- حرف اضافه در زبان‌شناسی نوین
- ۴۹..... ۳. بازنمایی ساختار نحوی گروه‌های نحوی
- ۵۱..... ۳-۱- مقدمه
- ۵۲..... ۳-۲- گروه اسمی
- ۵۸..... ۳-۳- گروه حرف تعریف
- ۵۹..... ۳-۴- گروه صفتی و گروه قیدی
- ۶۲..... ۳-۵- گروه حرف‌افزای
- ۶۳..... ۳-۶- گروه فعلی
- ۶۴..... ۳-۷- بند
- ۶۴..... ۳-۷-۱- مقدمه
- ۶۶..... ۳-۷-۲- انواع بند
- ۶۶..... ۳-۷-۳- انواع جمله
- ۶۶..... ۳-۷-۳-۱- جمله‌ی ساده
- ۶۷..... ۳-۷-۳-۲- شبه‌جمله
- ۶۹..... ۳-۷-۳-۳- جمله‌ی مرکب همپایه
- ۷۱..... ۳-۷-۳-۴- جمله‌ی مرکب ناهمپایه
- ۷۹..... ۴. نظریه‌ی ایکس تیره
- ۸۷..... بخش دوم: ساخت‌های نحوی زبان فارسی
- ۸۹..... ۵. نگاهی اجمالی به ساخت‌های خاص زبان فارسی
- ۹۱..... ۵-۱- کسره‌ی اضافه
- ۱۰۰..... ۵-۲- فعل مرکب
- ۱۲۱..... ۵-۳- «را» در فارسی
- ۱۲۹..... ۵-۴- ساخت ارتقایی در فارسی

- ۵-۵- ساخت نظارتی در فارسی ۱۳۴
- ۵-۶- مجهول در فارسی ۱۳۸
- ۵-۷- ساخت سببی فارسی ۱۵۰
- ۵-۷-۱- ساخت سببی از منظر دستورنویسان سستی ایرانی ۱۵۰
- ۵-۷-۲- ساخت سببی از منظر زبان‌شناسان نوین ۱۵۱
- ۵-۸- پوچواژه در فارسی ۱۵۴
- ۵-۹- بند موصولی ۱۵۹
- ۵-۱۰- مطابقه مفعولی در فارسی ۱۶۸
- ۵-۱۰-۱- مقدمه ۱۶۸
- ۵-۱۰-۲- مطابقه‌ی مفعولی ۱۶۹
۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ۱۷۷
- کتابنامه ۱۸۱
- واژه‌نامه فارسی به انگلیسی ۱۹۳
- واژه‌نامه انگلیسی به فارسی ۲۰۹

بخش اول

مفاهیم نحوی

١

مقدمه

نحو، مطالعه‌ی ساختمان جمله‌های زبان است و هر جمله از تعدادی سازه^۱ تشکیل می‌شود که در اصطلاح نحوی به آن گروه^۲ گفته می‌شود. گروه نحوی و سازه اشاره به یک مفهوم واحد دارند به این ترتیب که وقتی صحبت از گروه‌های نحوی درون ساختمان جمله می‌شود به آن سازه گفته می‌شود. پس هر جمله، تنها توالی خطی تعدادی کلمه نیست که به دنبال هم چیده شده‌اند. نوع ارتباط هر کلمه با سایر کلمه‌های حاضر در جمله، متفاوت و منحصر به فرد است. کلمه‌ها با هم تشکیل گروه نحوی می‌دهند و گروه‌ها با هم گروه‌های بزرگتر می‌سازند تا در نهایت بند (جمله) ساخته می‌شود. گروه به مجموعه‌ای از واحدهای واژگانی گفته می‌شود که به همراه یکدیگر، نقش^۳ واحدی را در جمله بر عهده دارند. از دیگر مفاهیم بنیادین نحوی که از روزگاران کهن تا به امروز همچنان مورد استفاده قرار می‌گیرد، مفهوم طبقه‌ی (مقوله)^۴ کلمه است و این همان است که در سنت بدان جزء (اجزاء) کلام^۵ اطلاق می‌شود و اسم، فعل، صفت، قید و حرف اضافه برجسته‌ترین آن است. حروف مانند حرف ربط، حرف تعریف، متمم‌نما^۶ و کمیت‌نما (سور)^۷ نیز تعداد دیگری از طبقه‌های کلمه هستند که اگر دسته‌ی اول را طبقه‌های اصلی کلمه بنامیم، این دسته‌ی دوم، طبقه‌های فرعی کلمه محسوب می‌شوند. هر طبقه‌ی کلمه می‌تواند در مقام هسته^۸ به تنهایی یا به همراه عناصری که با نام کلی وابسته^۹ نامیده می‌شوند، تشکیل گروه نحوی دهد. وابسته‌ها خود به سه دسته تقسیم می‌شوند: متمم^{۱۰}، مشخص‌گر^{۱۱} و افزوده^{۱۲}.

^۱ constituent

^۲ phrase

^۳ function

^۴ word class/word category

^۵ parts of speech

^۶ complementizer

^۷ quantifiers

^۸ head

^۹ dependant

^{۱۰} complement

^{۱۱} specifier

^{۱۲} adjunct

در این بخش، ابتدا با انواع طبقه‌ی کلمه آشنا می‌شویم، سپس نحوه‌ی ساخت گروه‌های نحوی را با دو روش بازنمایی قلاب‌های برچسب‌دار^۱ و نمودار درختی^۲ آن گونه که در دستور زایشی به کار می‌روند، بررسی می‌کنیم. از آنجایی که قواعد نحوی بر ساخت گروه‌های نحوی نظارت دارند لازم است با این دسته‌ی خاص از قواعد زبانی نیز آشنا شویم. آشنایی با نظریه‌ی ایکس تیره از دیگر مطالب تشکیل‌دهنده‌ی این بخش است.

^۱ labelled brackets

^۲ tree diagram

۲

مقوله (طبقه) کلمه

۱-۲- اسم

۱-۱-۲- اسم از منظر دستورنویسی سنتی

اسم را معمولاً بدین صورت توصیف می‌کنند: کلمه‌ای برای نامیدن شخص، مکان یا شیء. روشن است که چنین تعریفی نمی‌تواند دامنه‌ی تمامی اسم‌ها در زبان را در برگیرد. وقتی پای اسم‌هایی مانند «مالکیت»، «برابری» یا «عشق» به میان می‌آید، عملاً هر گونه تلاشی برای ارائه‌ی تعریف ناکام می‌ماند. طبقه‌بندی‌های متنوعی نیز از اسم به دست داده شده است. در دستور پنج استاد (قریب و همکاران، ۱۳۷۳: ۲۹) آمده است اسم یا عام است یا خاص. اسم عام یا اسم جنس آن است که مابین افراد همجنس، مشترک است و بر هر یک از آنها دلالت کند؛ مانند: «مرد»، «اسب»، «باغ»، «درخت»، «رخت». همه متون، اسم عام و اسم جنس را یکی نمی‌دانند. برای مثال ارزنگ (۱۳۷۴: ۲۲)^۱ تنها آن دسته از اسم‌های عام را اسم جنس می‌داند که بر مفهوم نوع و جنس دلالت می‌کند؛ مانند «کتاب» در جمله‌ی «من کتاب خریدم»؛ در حالی که «بی‌گناه» در جمله‌ی «بی‌گناه به دادگاه اعتراض کرد» اسم عام است و نه اسم جنس. اسم خاص یا اسم علم آن است که بر فردی مخصوص و معین دلالت کند؛ نظیر «حسن»، «اسفندیار»، «رستم». در طبقه‌بندی دیگری می‌توان گفت اسم یا ذات است یا معنی. اسم ذات یعنی قائم به ذات باشد و وجودش وابسته به دیگری نباشد، مانند: «کتاب»، «دیوار»، «کوه». برعکس آن، اسم معنی است؛ نام‌آواها، مصدرها، اسم مصدرها از این دست هستند؛ «نیکی»، «خنده»، «خش‌خش»، «گفتار»، «شتاب» همه اسم معنی‌اند.^۲ اسم یا مفرد است یا مرکب؛ یا مفرد است و یا جمع که یعنی نشانه‌ی جمع دارد؛ گاه اسم جمع است یعنی بدون داشتن نشانه‌ی جمع، معنی جمع از آن مستفاد می‌شود مانند: «گلّه، رمه، مردم، ملت»؛ اسم همچنین می‌تواند جامد باشد یا مشتق (قریب و همکاران، ۱۳۷۳: ۳۰-۴۳). این طبقه‌بندی بر پایه‌ی وجود ریشه‌ی

^۱ - در اینجا از نسخه ۱۳۸۷ این کتاب یعنی چاپ پنجم آن استفاده شده است و شماره صفحات با این چاپ منطبق است.

^۲ onomatopoeia

^۲ - گاهی به این دسته‌بندی در کنار اسم ذات و معنی، اسم‌بین را هم اضافه می‌شود که مرز بین ذات و معنی هستند و بو، تشنگی، گرسنگی، صبح، روز، شب از نمونه‌های آن است.

فعلی در کلمه یا عدم آن استوار است و ربطی به معنی اشتقاق در تعریف نوین آن ندارد. ارژنگ (۱۳۸۷: ۲۴) می‌نویسد اسم می‌تواند معرفه یا نکره باشد؛ اسم معرفه آن است که برای خواننده/شنونده مشخص و شناخته شده باشد؛ اسم‌های خاص همه معرفه‌اند. ضمیر نیز اسم خاص محسوب می‌شود؛ اسم نکره دارای مرجع ناشناس است. وی در طبقه‌بندی خود از اسم، از اسم اشاره نیز نام می‌برد که شامل صفت اشاره می‌شود که بدون موصوف خود به کار می‌رود؛ نظیر «اینها را از اینجا ببر». وی همچنین صفات مبهم «برخی، بعضی، چندی، خیلی، اندکی، پاره‌ای، همه، تمام، جملگی» را با نام اسم مبهم در طبقه‌ی اسم قرار می‌دهد (همین را ناتل خانلری ضمیر مبهم می‌نامد). فراموش نشود که کاربرد صفت جانشین اسم در زبان فارسی بسیار زیاد است؛ اتفاقی که ناشی از اثرات باهم‌آیی به کرات در زبان‌های طبیعی رخ می‌دهد؛ به این ترتیب که در اثر بسامد بالای رخداد واژه‌ها، معنای هر واژه بر واژه‌ی همراه آن تأثیر می‌گذارد و یکی از واژه‌ها از معنای خود، تهی و در نتیجه حذف می‌گردد و واژه‌ی همجوار در نقش واژه‌ی محذوف ظاهر می‌گردد.

وقتی بحث اسم در دستور سستی فارسی به میان می‌آید، یکی دیگر از شایع‌ترین مباحث، مصدر است. در کنار مصدر، بحث اسم مصدر و حاصل مصدر نیز مطرح است و کمتر یکدستی و توافق آراء در این خصوص وجود دارد اختلافاتی که به زعم رضایی (۱۳۹۵) هنوز هم ادامه دارد. این امر که مصدر در فارسی اسم است، طرفداران زیادی دارد. از جمله انوری و احمدی گیوی (۱۳۷۵) با این دلیل که مصدر، زمان^۱ و مطابقه^۲ ندارد پس فعل نیست و درزی (۱۳۸۴) با این دلایل که مصدر جمع بسته می‌شود، می‌تواند با «را» همراه شود و با گروه‌های اسمی همپایه می‌شود. از طرف دیگر شریعت (۱۳۴۹) مصدر را از طبقه‌ی فعل می‌داند. رضایی (۱۳۹۵) در مطالعه نوینی که از این عناصر به دست داده است به این نتیجه رسیده است که مصدر از نظر کنش گزاره‌ای ارجاع، مانند اسم رفتار می‌کند اما از نظر معنایی، شبیه فعل است. نظرات در این زمینه هر چه باشد، در این که مصدر از اضافه شدن وند اشتقاقی به ریشه فعلی ساخته می‌شود (نه این که محل صدور فعل

^۱ tense

^۲ agreement

باشد آن‌طور که در عربی است) تردیدی وجود ندارد. بی‌تردید مصدر در فارسی هنوز جای بررسی بیشتری دارد و می‌تواند موضوعی برای پژوهش‌های صرفی و نحوی آتی واقع شود.^۱

در خصوص اسم مصدر و حاصل مصدر نیز در کتاب‌های دستور سستی فارسی آشفتگی کم نیست؛ برخی این دو را یکی گرفته‌اند؛ برخی علیرغم قائل شدن به تمایز میان آن دو، مرز مشخصی میان آنها تعیین نکرده‌اند. قریب و همکاران (۱۳۷۳: ۱۴۴) نام حاصل مصدر را فقط برای کلماتی به کار برده‌اند که از اضافه شدن پسوند «-ر» به بن فعل ماضی ساخته می‌شوند مانند «رفتار» و اسم مصدر را تنها به بن مضارع که پسوند «-ش» به آن افزوده شده است، اطلاق می‌کنند. اما در دیگر متون، آنچه از اضافه شدن وندهای اشتقاقی اسم‌ساز به ریشه‌ی فعلی تولید می‌شود، اسم مصدر است که «ناله»، «گریه»، «چرخش»، «گفتار»، «کردار» تنها نمونه‌هایی از آن است. در مقابل حاصل مصدر کلمه‌ایست که از اضافه شدن همین وندهای اشتقاقی به اسم یا صفت ساخته می‌شوند و «نیکی»، «خوبی»، «بدی»، «زندگی»، «بزرگی»، «خدایی» و «برادری» از انواع آن است (معین ۱۳۶۹: ۸۹).

نکته پایانی این‌که همیشه نمی‌توان مرز دقیقی میان طبقه‌های کلمه و به دنبال آن تعریف روشن و دقیقی برای هر یک قائل شد؛ اگر نگوئیم تعیین مقوله‌ی کلمه - به ویژه خارج از بافت - کاری ناممکن است، باید بپذیریم این مقوله‌ها پیوستاری هستند که برخی به سرنمون^۲ آن نزدیک و برخی از آن دور هستند. برای بحث بیشتر در این زمینه می‌توان به رضایی (۱۳۹۵)، ساسانی (۱۳۸۰) و مصفا جهرمی (۱۳۹۲) رجوع کرد.

۲-۱-۲- اسم در زبان‌شناسی نوین

در باب اسم در زبان‌شناسی نوین، علاوه بر دانستن اطلاعاتی درباره نحوی تشخیص و توزیع آن، دانستن این نکات لازم است: اسم چه نقش(هایی) در جمله

^۱ - بررسی بیشتر در این زمینه می‌تواند به رسیدن پاسخ قطعی به وجود بند مصدری در فارسی نیز منجر شود.

^۲ prototype

می‌گیرد؟ مقوله‌های دستوری که بر صورت اسم تأثیر می‌گذارد و آن را دستخوش تغییر می‌کند، کدام است؟ اسم به چه وابسته‌هایی امکان شرکت در ساخت گروه اسمی را می‌دهد؟ برای دو پرسش نخست در همین زیربخش پاسخی خواهید یافت و پاسخ سومین را در زیربخش گروه اسمی می‌توانید بیابید.

اسم می‌تواند فاعل، مفعول صریح، متمم حرف اضافه، متمم اسم، متمم صفت، محمول^۱ و نیز افزوده (قید) واقع شود.

مثال‌هایی برای هر یک از این نقش‌ها به قرار زیر است؛ توجه شود اسم باید برای گرفتن نقش در جمله، ابتدا تشکیل گروه اسمی بدهد، به همین دلیل است که در مثال‌های زیر در واقع با گروه‌های اسمی مواجه هستیم:

- ۱- در نقش فاعل: کدخدا برگشته است.
- ۲- در نقش مفعول صریح: عباسجان الاغ را به بندار فروخت.
- ۳- در نقش مفعول باواسطه یا غیر صریح: کدخدا سند را از اریاب گرفت.
- ۴- در نقش متمم اسم: کدخدای ده آدم کج تابی است.
- ۵- در نقش متمم صفت: نگران کدخدا
- ۶- در نقش محمول: حالا بندار کدخداست.
- ۷- در نقش قیدی: شب گذشته از شهر برگشت.

مطابقه و حالت^۲ از جمله مقوله‌های دستوری اسمند. زبان فارسی در دوره‌ی باستان، دارای نظام حالت غنی بوده است که در گذر از فارسی باستان به فارسی امروز، نشانی از آن به جای نمانده است و می‌توان گفت حالت در فارسی امروز، صورت‌بندی نمی‌شود. از میان مؤلفه‌های مطابقه‌ی اسم در فارسی، تنها شمار^۳ صورت‌بندی می‌شود و با نشانه‌های جمع می‌توان آن را از مفرد به جمع تبدیل کرد. از دیگر مقوله‌های دستوری مرتبط با اسم می‌توان به معرفه‌بودگی^۴ اشاره کرد. بر این اساس، اسم می‌تواند معرفه یا نکره باشد. در بسیاری از زبان‌ها، عنصری ساختوازی

^۱ predicate

^۲ case

^۳ number

^۴ definiteness

بر روی اسم ظاهر می‌شود و صورت آن را به ازای معرفه یا نکره بودن، تغییر می‌دهد؛ گاهی صورت اسم به طور کلی بسته به این که معرفه یا نکره باشد، تغییر می‌کند. البته ابزار زبانی دیگری نیز برای انتقال این مفهوم وجود دارد. در زیربخش مربوط به حروف تعریف، بار دیگر به این موضوع خواهیم پرداخت.

۲-۲- فعل

۱-۲-۲- مقدمه

امروزه به جای تلاش برای ارائه تعریف معنایی و طبقه‌بندی اقسام کلام از جوانب و زوایای گوناگون، برای رسیدن به پاسخ چنین پرسش‌هایی تلاش می‌شود: چگونه می‌توان طبقه‌ی کلمه را تشخیص داد، نقش هر کلمه در جمله چیست و چگونه می‌توان روابط و نقش‌های دستوری را به شیوه‌ای صوری نشان داد. فعل در جمله، نقش محمول را بر عهده دارد؛ هسته‌ی گروه فعلی واقع می‌شود که می‌تواند خود به تنهایی یا به همراه وابسته‌هایی تشکیل گروه بدهد. برای این که بینیم فعل با چه وابسته‌هایی در ساخت گروه فعلی حاضر می‌شود باید با مفهوم ظرفیت^۱ آشنا شویم. ظرفیت، به تعداد مشارکین^۲ وقوع رویداد^۳ یا عمل^۴ یا فرایند^۵ و یا وضعیت امور^۶ فعل اطلاق می‌شود. وقتی سخن از ظرفیت فعل در میان است، با ساختار موضوعی فعل سروکار داریم. فعل می‌تواند بین صفر تا سه (و شاید تا چهار) ظرفیت داشته باشد. برخی زبان‌ها، فعل‌های صفرظرفیتی دارند؛ نظیر rain در انگلیسی. وقتی انگلیسی می‌گوید it rains جایگاه فاعلی را با ضمیر فاقد محتوای معنایی یا همان پوچ‌واژه^۷ پر کرده است. این عنصر در واقع از فعل نقش معنایی نمی‌گیرد و این بدان معناست که فعل rain در این زبان فاقد ظرفیت است. فعل‌های تک‌ظرفیتی را

^۱ valency

^۲ participants

^۳ event

^۴ action

^۵ process

^۶ state

^۷ expletive